

تحلیل مداخله مسلحانه عربستان در یمن از منظر پارادایم حقوق بین‌الملل

محمدجواد حیدریان دولت‌آبادی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

رسول مظاهری کوهانستانی

استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت ۹۸/۱/۲۹ - تاریخ تصویب ۹۹/۵/۲۳)

چکیده

در حمله نظامی ائتلاف عربی به رهبری عربستان به یمن و آتش‌گشودن به اهداف غیرنظامی، با توجهی نامشروع بوده و مصداق بارز تجاوز به تمامیت ارضی یمن است. ایجاد حق دفاع مشروع برای مردم یمن و همچنین مسئولیت بین‌المللی برای عربستان از جمله نتایج این تجاوز از منظر حقوق بین‌الملل می‌باشد. جنایات سعودی‌ها در یمن از منظر حقوق بین‌الملل کیفری قابل پیگیری است زیرا ناقض اصل تفکیک و عدم حمله به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی، عدم استفاده از سلاح‌های ممنوعه و ممانعت به عمل آوردن از ارسال کمک‌های بشردوستانه وفق هنجارهای حقوق بشردوستانه می‌باشد که مانند اعمال، نقض کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بوده و می‌تواند از مصادیق جنایت جنگی محسوب شود. همچنین می‌توان با توجه به تشکیل ائتلاف و سیستماتیک بودن و نظام‌مند بودن حمله عربستان و کشتار وسیع مردم یمن به دلیل مذهب آنها، عناصر تشکیل‌دهنده جرم بین‌المللی «نسل‌کشی» را می‌توان مشاهده نمود. دخالت غیرقانونی عربستان در حمله به یمن حتی اگر از منظر دفاع از رئیس‌جمهور مستعفی آن کشور مشروع تلقی گردد و آن را به یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی مبدل سازد، باز هم نقض حقوق بشردوستانه نظامیان و غیرنظامیان قابل توجه نیست. در این رهگذر تمرکزی بر دو موضوع تحولات میدانی جنگ و افزایش روز افزون خسارت‌ها و تلفات انسانی ناشی از آن بر اساس آخرین آمار تحلیلی و همچنین موقعیت و پایگاه مردمی و میزان قلمرو سرزمینی در اختیار حوثی‌ها که به تبع آن مؤید جایگاه حقوقی آنان در دولت یمن می‌باشد، شده است.

واژه‌های کلیدی: حقوق بشردوستانه، حمله نظامی، جرائم جنگی، یمن، دیوان بین‌الملل کیفری.

Email: mjhd1377@gmail.com

^۱ نویسنده مسئول

فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۹۹، صص. ۲۲۱-۲۴۹.



نوع مقاله: علمی - پژوهشی

مقدمه

عربستان سعودی در روز ۲۶ مارس ۲۰۱۵م، با ادعای حمایت از عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهوری مستوفی یمن، در عملیاتی که از آن به عنوان طوفان قاطعیت و بازگشت امید نام برد، تهاجم هوایی علیه تمامیت ارضی یمن را آغاز کرد. دلایل تهاجم مذکور به نحوی در نامه ائتلاف عربی به رهبری کشور عربستان سعودی خطاب به دبیرکل وقت سازمان ملل، انعکاس یافته، عبارتند از پاسخ به درخواست منصور هادی، برای حمایت از کشور و مردم آن در برابر تجاوز شبه‌نظامیان گروهک حوثی که همواره ابزار نیروهای خارجی بوده که به صورت مداوم به دنبال مخدوش ساختن امنیت و ثبات یمن می‌باشند. این حملات نظامی علیه یمن واکنش‌های متفاوت برخی سازمان‌ها و دولت‌ها را برانگیخت. از سمت دیگر، برخی دیگر نگرانشان را از توسل به زور و مداخله نظامی در یمن کشور اعلام کردند که سازمان ملل از جمله آن‌ها بود. به هر صورت، کشورهای قطر، کویت، امارات و بحرین، کشورهای متحد عربستان سعودی در این حمله را تشکیل می‌دادند و کشورهایی نیز مانند سودان، مراکش، مصر، اردن و ... نیز با تحویل تسلیحات نظامی در این حمله با ریاض همکاری می‌کردند. ائتلاف سعودی، از ابتدای جنگ تاکنون، کشور یمن را به لحاظ دریایی، هوایی و زمینی محاصره کرده و مناطق مسکونی و مراکز نظامی را بمباران می‌کنند و بدین سبب غیرنظامیان و به‌ویژه کودکان بی‌گناه، به‌طور پیوسته، قربانی حملات و بمباران جنگنده‌های ائتلاف به رهبری عربستان سعودی می‌شوند.

به طور حتم فلسفه وجودی سازمان‌های بین‌المللی به خصوص سازمان ملل متحد و رکن مهمی چون شورای امنیت برای ایجاد توازن و آشتی و پایان دادن به اینگونه تخاصم هاست اما حمایت از اینگونه تجاوزها اولین چیزی را که به ذهن متبادر می‌کند برتری قدرت و نفوذ سیاسی بر تصمیمات مهم در جامعه بین‌المللی در قبال کشورهای کوچک و ضعیف است. اکنون و با عنایت به نقض اصول و قواعد حقوق بین‌الملل

بشردوستانه توسط نیروهای ائتلاف سعودی مسئولیت دولت عربستان محرز بوده و لازم است با انجام تحقیقات بی طرفانه و همه جانبه، موضوع در مراجع بین‌المللی همچون دیوان بین‌المللی کیفری مورد بررسی قرار بگیرد تا با احراز جنایت جنگی توسط متهمینی که این جرائم به آنها منتسب بوده، مورد تعقیب، رسیدگی و مجازات قرار گرفته و همچنین حقوق قربانیان این مخاصمه مسلحانه جهت جبران خسرات و دریافت غرامت تأمین و تضمین گردد. در این پژوهش درصدد آنیم که ضمن بررسی قواعد و حقوق داخلی یمن اقدامات عربستان مبنی بر تقاضای رئیس‌جمهور یمن بمنظور کمک از دیگر کشورها را بررسی نمائیم. در ادامه مشروعیت جنگ علیه یمن از منظر منشور سازمان ملل و قواعد آمره بین‌المللی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. سپس، جنایات علیه بشریت، جنایت جنگی و نسل‌کشی مردم یمن توسط نیروهای ائتلاف عربستان و مسئولیت بین‌المللی و کیفری کشورهای حمله‌کننده تبیین می‌گردد و در نهایت، به امکان و چگونگی پیگرد بین‌المللی این جنایات در دادگاه بین‌المللی کیفری پرداخته می‌شود.

۱- تجاوزات عربستان به خاک یمن از منظر حقوق داخلی یمن

مداخله به‌صورت نظامی کشور سوم، وفق دعوت و مطالبه کشور میزبان یکی از ادوات و ابزارهایی است که در چالش‌های داخلی به صورت مکرر مورد توسل قرار گرفته است. هنگامی که حکومت درگیر بحران با جنگ داخلی به ضعف کشیده می‌شود، جهت جدایی از وضع حاضر به دعوت از کشورهای خارجی جهت مداخله نظامی مبادرت می‌ورزد. شایان ذکر است که در این راستا دو نظریه حائز اهمیت برای اعتبار قانونی چنین دعوتی ارائه گردیده: کنترل اثربخش و مشروعیت جنبه‌ی دموکرات بودن آن. بر جهت معیار سنتی کنترل اثر بخش، و در راستای اعتبار دعوتی که ماهیتاً نظامی است و توسط کشور میزبان، به عمل می‌آید، حکومت اساساً بایستی کنترل موثر سرزمینی به

عمل آورد؛ موضوعی که عملاً در چالش‌های جنگ داخلی آن هم به دشواری تحقق می‌یابد.^۱ از سمت دیگر، براساس نظریه ای که نوظهور بوده و در باب مشروعیت دموکراتیک است، آنچه که اعتبار به دعوت مزبور می‌دهد، وصف مردمی و دموکراتیک بودن حکومت می‌باشد. به این ترتیب، حتی چنانچه حکومت دموکراتیک، کنترل سرزمینی موثر هم نداشته باشد، هم‌چنان دعوت وی مشروع خواهد بود. (زمانی و نیکویی، ۱۳۹۶: ۲۸۹).

گفتنی است وفق اصل ۱۱۱ قانون اساسی کشور یمن، ریاست جمهوری به عنوان عالی‌ترین مقام قوای مسلح است؛ اما او مستقلاً این اختیار را ندارد که بدون اکتساب رای موافقت مجلس شورا درباره‌ی بسیج نیروها و یا مداخله‌ی سایر دول در امور داخلی و از جمله مداخله نظامی تصمیم‌گیری کند. این درحالی است که یمن در آن تاریخ رئیس‌جمهور قانونی هم نداشته و منصور هادی قریب به دو ماه قبل از حمله عربستان استعفا نموده بود. این ائتلاف برای توجیه مداخله نظامی خود، به نامه هادی استناد کرد.^۲ گفتنی است که ارجاع دادن به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد در این خصوص، فقط برای تشویش و اضلال اذهان بوده است؛ چرا که ماهیتاً طرفین مسلح هدف در راستای دعوی دفاع مشروع گروهی حائز اهمیت هستند. تقریباً می‌توان به اطمینان سخن گفت که گروه حوثی‌ها سهمی اساسی و مهم در ساختار قدرت سیاسی

^۱ . طبیعتاً اعمال معیار کنترل اثربخش در موضوع دخالت نظامی مبتنی بر دعوت نتیجه‌ای جز این نخواهد داشت که حکومت‌های بدون کنترل اثربخش به دعوت از نیروهای خارجی مجاز نمی‌باشند. لذا حکومت‌های در تبعید، صوری، دست‌نشانده و مانند آن قادر به دعوت از کشور سوم برای مداخله نمی‌باشند. برای مطالعه بیشتر رک به :

Max Planck Encyclopedia of Public International Law, 'Intervention by Invitation' <http://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1702#law-9780199231690-e1702-div2-6>.

^۲ . وفق اصل دفاع مشروع که در ماده ی ۵۱ منشور سازمان ملل متحد مندرج است و وفق منشور اتحادیه عرب و معاهده " دفاع مشترک اعراب" از همه شما تقاضا می‌کنم با استفاده از هر طریقی که ممکن و ضروری می‌باشد، از جمله مداخله نظامی، حمایت فوری از ما به عمل آورید.

GCC issues statement on Yemen, available at: [www.saudiembassy.net/ print/announcement/ announcement03261501.aspx](http://www.saudiembassy.net/print/announcement/announcement03261501.aspx), accessed on 5 October 2016

یمن آن هم به صورت با ثبات، عهده دارند. از طرف دیگر، قطعنامه های شورای امنیت نیز مرتباً بر دیالوگ‌های ملی در کشور یمن موکداً تأکید داشته اند. (SC/RES/2204, 2015).

توجیه دومی که می‌توان نام برد و چه بسا دلیلی محکم تر از آن هم برای دخالت در کشور یمن باشد، به راستی دعوت منصور هادی دال بر دخالت به صورت نظامی است. در قیاس با وضعیت منصور هادی و شخص ویکتور یانوکویچ، با قاطعیت می‌توان بیان کرد که منصور هادی در جایگاهی بهتر از او نبوده است: چرا که هیچ کدام در سمت اصلی خود نبوده اند، هر دو کنترلشان را در قسمت نسبتاً مهمی از کشورشان از دست داده و طرفین مجبور گردیدند که به کشور متحدشان (یعنی ممالک عربستان و روسیه) پناه ببرند. به این ترتیب، نایستی از ادعای کشور عربستان سعودی و متحدان آن دال بر تقویت نیروهای گروهک حوثی توسط دولت ایران چشم پوشی کرد. آنچنان که رئیس‌جمهور برکنار شده یمن در نامه خود نیز ضمناً به دخالت عناصر خارجی در وضعیت کشور یمن اشاره داده است. اهمیت این دعوی که چنانچه دخالت مستقیم ایران در اوضاع داخلی کشور یمن ثابت گردد، اصل برابری منفی نیز اعتبار خود را به صورت قابل ملاحظه‌ای از دست می‌دهد و لذا عربستان و دیگر دولت‌های دخالت ورز با استناد به دخالت قبلی کشور سوم (یعنی ایران) برای توجیه نمودن حملات نظامی راه سهل‌تری را در پیش خواهند داشت. با این حال، مقامات ایرانی به صورت مکرر هر نوع دخالت در یمن را رد نموده اند. مضافاً گفتنی است که هیچ مدرک محل‌اعتنایی نیز از دخالت دولت جمهوری اسلامی ایران در اوضاع یمن حصول نشده است. در این شرایط، استناد به دخالت قبلی ایران و اتهام تقویت گروهک حوثی‌ها از جانب دولت ایران برای

¹ . Al Arabiya News, "Iran and Hezbollah trained Houthis to harm Yemenis," available at: <http://english.alarabiya.net/en/News/middle-east/2015/04/07/Iran-and-Hezbollah-trained-Houthis-to-harm-Yemenis-.html>, accessed on 17 November 2016.

3. Kutsch, T. 'US Says Houthis Obviously Receive Iran's Support, But Experts not So Sure', available at: www.america.aljazeera.com/articles/2015/4/10/kerry-accuses-iran-of-yemen-meddling-but-level-of-its-support-unclear.html, accessed on 14 July 2016.

توجیه حملات کشور عربستان سعودی نقشی پیدا نمی‌کند (زمانی و نیکوئی، ۱۳۹۶: ۳۰۶).

بعضی دیگر نیز نسبت به این معاهدات با مسامحه نگاه می‌کنند و انعقاد این معاهدات را قسمتی از اعمال حاکمیت کشورها تلقی می‌کنند (Nolte, 1993: 625). با توجه به عدم وجود رویه‌های دموکراتیک در بیشتر دولت‌های ائتلاف علیه کشور یمن، نمی‌شود گفت که این دول نمایندگان واقعی ملتشان می‌باشند^۱. (SC/RES/2216, 2015). درخواستی که وفق ادله‌ای که مورد بررسی قرار گرفت، تردید در اعتبار حقوقی آن‌ها امری بس ساده به نظر می‌رسد. لذا تجاوز و حضور ائتلاف کشورهای عربی به کشور یمن آشکارا ضمن نقض قانون اساسی یمن، نقض کننده قواعد آمره در حقوق بین الملل بوده و نمی‌توان بر اساس توسل به زور، مداخله در امور داخلی کشور دیگری را، ناقض حاکمیت ارضی یمن را که هر سه از اصول به رسمیت شناخته شده در منشور سازمان ملل متحد است، توجیه کند (حیدری، ۱۳۹۵: ۴).

به این نکته باید دقت نمود که توجیه عربستان مبنی بر درخواست منصور هادی برای تثبیت وضعیت داخلی یمن به هیچ عنوان موجه نمی‌نماید زیرا او قبل از تاریخ تجاوز سعودی‌ها به یمن استعفا نموده است و اساساً نمی‌توان به استناد چنین درخواستی موضوع تجاوز را مشروع جلوه نمود. عربستان صرفاً در صورتی می‌تواند به این توجیه متوسل گردد و مجوز لازم را دریافت نموده باشد. منصور هادی تنها به عنوان رئیس جمهور مشروع بلکه به عنوان کسی که مسئول انتقال قدرت بوده در یمن مشروعیت داشته و نمی‌تواند به عنوان رئیس جمهور قانونی از کشور عربستان تقاضای مداخله در این وضعیت کند. این موضوع با قطعنامه ۲۰۲۴ شورای امنیت استنباط می‌گردد که از او به عنوان ریاست جمهور قانونی نام نبرده است.

^۱ . <http://www.businessinsider.com/members-of-saudi-led-coalition-in-yemen-their-contributions-2015-3>, accessed on 19 November 2016.

نکته‌ای که در پایان، نایستی از آن غافل شد، توجه به موضوع موقعیت سنجی و تشخیص پایگاه مردمی و هم‌چنین میزان قلمرو سرزمینی در اختیار حوثی‌ها بر اساس آخرین تحولات میدان جنگی است؛ که خود نمودار میزان مقاومت در یمن و هم‌چنین جایگاه حقوقی ایشان در این کشور است؛ زیرا که به جهت عدم غلبه بر اکثریت مناطق یمن، مشروعیت ایشان با مانع جدی رو به رو بوده و تردید جدی در خصوص موقعیت مشروعیت حقوقی ایشان وارد می‌شود. این مطلب را در نقشه زیر که مقتبس از سایت وزارت امور خارجه در تاریخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۵ می‌باشد، به خوبی می‌توان دریافت:



۲- تجاوز عربستان به یمن از منظر منشور سازمان ملل متحد و قواعد آمره

بین‌المللی

توسل به زور در کلیه صور آن از مواردی است که در حقوق بین‌الملل ممنوع است. اصل منع توسل به زور دارای استثناهای حائز اهمیت است که نسبتاً مورد استناد قدرت‌هایی قرار می‌گیرد که به تهاجم نظامی و مداخله در دیگر کشورها اقدام می‌کنند. یکی دفاع مشروع است که ذیل ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد به آن اشاره گردیده

است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۵۴۸). از آنجا که دلایل عربستان و دیگر کشورهای عربی برای حمله به یمن در هیچ یک از این ۲ دلیل نمی‌گنجد، پس، نمیشود با توسل به زور علیه ملتی که از اصل «حق تعیین سرنوشت» بهره گرفته و درصدد است تا از راه‌های دموکراتیک به حقوق حقه خویش دست یابد، حمله نظامی نمود. واقعیات جامعه کشور یمن حاکی از آن است که حکومت آن با اعتراضات گسترده و عمومی مردم یمن مواجه بوده که احیای حقوق اساسی و مشارکت در تعیین سرنوشت خود را خواستار بودند و بر این اساس نیز نمی‌توان با درخواست رئیس‌جمهور مستعفی این کشور، مداخله نظامی نمود و حمله‌ای را مشروع جلوه داد.

بنابراین دو تکلیف، آنچه مشخص است، حمله عربستان به یمن و دخالت در موضوعات داخلی این کشور، اعمال زور در تعیین سرنوشت این کشور و بر خلاف قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل و اصل عدم مداخله هست که نشان از نامشروع بودن آن از منظر این اصل دارد. به استناد بند ۱ از ماده ۵۳ منشور ملل متحد نیز عملیات عربستان سعودی و متحدانش بر ضد یمن تجاوز آشکار محسوب می‌شود؛ چراکه عربستان و نیروهای ائتلاف بدون کسب مجوز از شورای امنیت سازمان ملل به کشور یمن حمله کرده‌اند. در مجموع، می‌توان با قطعیت اذعان داشت که حمله عربستان و ائتلاف، تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است. بر اساس قواعد آمره بین‌المللی یعنی اصل منع توسل به زور و اصل منع مداخله در امور داخلی کشورها، آغاز این جنگ، تجاوز به قواعد آمره بین‌المللی و کشور مستقل یمن است. بر اساس قوانین سازمان ملل، منصور هادی، رئیس‌جمهوری مستعفی یمن، به لحاظ حقوقی و قانونی نمی‌تواند از کشوری دیگر درخواست دخالت نماید و از عنصر زور کشوری دیگر علیه تمامیت ارضی کشورش استفاده نمایند و به شهروندان غیرنظامی یمن حمله نظامی کند که این، خود، به طرزی کامل بر خلاف قواعد آمره بین‌المللی است. بر این اساس، ذات مداخله نظامی و شروع جنگ کشور عربستان علیه مردم کشور

یمن نیز به رغم برخی حمایت‌ها از سوی بعضی دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای، از منظر حقوق بین‌الملل، به هیچ وجه توجیه‌پذیر و قابل‌دفاع نبوده، مشروعیت ندارد و قابل‌پیگیری بین‌المللی است.

۳- جرائم ارتكابی ائتلاف عربی به رهبری عربستان در یمن

۳-۱. نقض موازین حقوق بشردوستانه

اوایل فرودین ۱۳۹۴ دولت عربستان در سایه سکوت مجامع غربی و بین‌المللی، حملات گسترده هوایی خود را به یمن آغاز نمود. طی این حملات، تا کنون هزاران زن و کودک کشته و هزاران نفر نیز مجروح و زخمی شده اند (www.peace.ipsc.org/fa/). مهم‌ترین موازین حقوق بشردوستانه که در جنگ یمن نقض گردیده در ذیل به اختصار آمده است:

الف - عدم رعایت اصل تفکیک

این اصل در مواد ۲۵ و ۲۷ مقررات مربوط به حقوق جنگ و عرف جنگ زمینی ضمیمه کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ مورد تأیید قرار گرفته و حمله به شهرها و ساختمان‌های غیرنظامی که تأثیری در جنگ ندارند را بطور کلی ممنوع کرده است. این در حالی است که پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۷۷ در ماده ۴۸ خود بیان می‌دارد طرفین مخاصمه همواره باید بین جمعیت غیرنظامی و رزمندگان تفکیک قائل شود (ممتاز و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷۴). پروتکل ضمن تعریف اهداف نظامی، اهدافی که بر اساس طبیعت، هدف، محل استقرار یا نحوه استفاده، سهم موثری در عملیات نظامی دارند و تخریب کامل یا جزئی، به غنیمت گرفتیم یا بی طرف کردن آنها در شرایط حاکم بر زمان موجب کسب یک مزیت نظامی خواهد شد، در بند ۱ مقرر می‌دارد که جمعیت و افراد غیر نظامی باید در امان باشند و بلافاصله در بند ۲ همین ماده هدف قرار دادن جمعیت‌های غیرنظامی و انجام اعمالی را که هدف مستقیم آنها گسترش ترس در بین

این جمعیت باشد را ممنوع کرده است فراتر از آن نیز بند ۴ اقدام به اینگونه عملیات ها بدون دعایت اصل تفکیک را نیز ممنوع کرده است (ممتاز و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۸۸).

جنگنده های ائتلاف عربی به رهبری عربستان تا کنون جمعیت غیرنظامی زیادی را در یمن هدف حملات خود قرار داده از جمله حمله به یک جشن عروسی در استان ذمار و بمباران استان مارب و صعده که منجر به کشته شدن و مجروح گشتن تعداد زیادی از مردم شده است (www.CNN.com/Report/blog/14/9/2015). همچنین دیده بان حقوق بشر طی گزارشی حملات هوایی ائتلاف عربی به بیمارستان حیدان، بازار نهم، اردوگاههای آوارگان، کارخانجات لبنیات نزدیک بندر الحدیده و مراسم عروسی در شهر سنبان را تأیید کرده است. ر این راستا، سازمان دیده بان حقوق بشر طی گزارشی تأکید نموده بود که ائتلاف متجاوز سعودی در یمن مرتکب جنایت جنگی شده است. در این گزارش آمده بود که دیده بان حقوق بشر هیچ نشانه ای از اهداف نظامی در یمن نیافته است و جنگنده های ائتلاف، هیچ تفاوتی میان اهداف نظامی و غیر نظامی قائل نیستند. (Fa.alalam.ir/ September22,2016). همچنین کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل با اشاره به کشته شدن ۱۸ نفر از جمله ۱۰ کودک و ۲ زن بر اثر حملات هوایی ائتلاف عربی به دهکده ای بنام العشیره در یمن، تحقیقاتی را در این زمینه آغاز کرده است (Fanews.com/July16,2017www.International)

لذا باید گفت که اصل تفکیک در حقوق بشردوستانه با کشتار غیرنظامیان، حمله به مناطق مسکونی و بیمارستانها، حمله نظامی به تاسیسات زیربنایی مانند بنادر و فرودگاهها و ورزشگاهها توسط جنگنده های عربستان و ائتلاف عربی نقض گردیده است.

ب- عدم رعایت اصل محدودیت

بنابراین اصل، طرفهای درگیری و اعضای نیروهای مسلح آنها، حق نامحدودی در انتخاب شیوه ها و روشهای جنگی ندارند. استفاده از روشها و سلاحهای جنگی که باعث ورود درد غیرضروری یا رنج زائد می شود ممنوع است. با این حال سازمان دیده بان

حقوق بشر تأیید کرده که عربستان در تجاوز خود به خاک یمن از بمب‌های خوشه‌ای آمریکائی در نزدیکی مناطق مسکونی استفاده کرده است (report/2015www.hrw.org/world)

استفاده از بمب‌های خوشه‌ای در سال ۲۰۰۸ با امضای پیمانی با همین موضوع توسط ۱۱۶ کشور ممنوع شد (Euronews, 29 March, 2008). استفاده از بمب‌های خوشه‌ای با توجه به تهدید بلندمدتی که برای غیرنظامیان در طول جنگ و دوران پس از اتمام جنگ دارند منع گردیده زیرا هر بمب خوشه‌ای حاوی دهها بمب دیگر است که گاهی عمل نمی‌کند و عملاً به مین‌های ضدنفری تبدیل می‌شود که ممکن است تا سالهای متمادی همچنان قربانی بگیرد مانند کشورهای لائوس، کامبوج و ویتنام که بمب‌های عمل‌نکرده موجب مرگ و یا معلولیت غیرنظامیان از جمله کودکان همچنان می‌شود (www.humanrights-iran.ir/2010).

اگرچه عربستان و هم‌پیمانانش به این کنوانسیون نپیوسته‌اند اما با توجه به الحاق بیش از ۱۱۶ کشور به این کنوانسیون و تعهدات شکل‌گرفته در منع صادرات، فروش و استفاده از اینگونه سلاح‌ها، این امر از لحاظ عرفی برای عربستان و ائتلاف عربی تعهدی عام‌الشمول و الزام‌آور شده که تخلف از آن موجب بروز مسئولیت بین‌المللی برای عربستان و ائتلاف عربی خواهد شد.

پ- ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه به یمن توسط عربستان
اموال مورد استفاده در عملیات امداد بشردوستانه باید مورد احترام و حمایت باشند (قاعده ۳۲ از مجموعه قواعد عرفی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه). رویه دولت‌ها این نُرْم را به مثابه یک نُرْم حقوق بین‌الملل در هر زمینه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی قابل اعمال عنوان می‌کند (هنکرتز- ماری، ۲۰۰۵: ۲۰۴). چراکه اموال در هر نوع و به هر صورتی که باشند در زمره اموال غیرنظامی هستند و باید مصون از تعرض باشند (قاعده ۵۷ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه). این قاعده

نتیجه تبعی ممنوعیت جلوگیری عمدی از کمک رسانی بشردوستانه به شمار می رود (قاعده ۵۵ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بین الملل بشردوستانه)؛ زیرا هرگونه حمله به این اموال یا انهدام یا غارت آنها ذاتاً در حکم ممانعت از امدادرسانی بشردوستانه است (قاعده ۵۵ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بین الملل بشردوستانه). پروتکل یکم الحاقی عهدنامه های چهارگانه صراحتاً اعلام می دارد که طرفهای درگیری باید محموله های امدادی را مورد حمایت قرار دهند و توزیع سریع آنها را تسهیل نماید (ماده ۷۰(۴)).

همچنین اساسنامه دیوان بین المللی کیفری حملات عمدی که علیه تاسیسات، مواد، واحدها یا خودروهای درگیر در کمک رسانی بشردوستانه و در راستای حکم مندرج در منشور ملل متحد صورت می گیرد، مادام که اموال مذکور از حق حمایت از اموال غیرنظامی برخوردار باشند، جنایت جنگی محسوب می شود (ماده ۸).

این درحالی است که در جنگ یمن، طبق گزارشی که "آوی لوتسما" نماینده برنامه توسعه سازمان ملل در یمن اعلام کرده، عربستان از ارسال کمکهای بشردوستانه برای مردم یمن از سوی برخی کشورها جلوگیری می کند (www.Russia.com/July 11, 2017). نماینده سازمان ملل تصریح کرده که ائتلاف عربی به رهبری کشور عربستان مانع سوخت گیری هواپیماهای حامل کمکهای بشردوستانه به صنعا شده در حالیکه موارد جدیدی از ابتلا به بیماری مننژیت در یمن به ثبت رسیده است (www.Russia.com/July 11, 2017).

این در حالی است که حملات اخیر سعودی ها به بندر الحدیده که تنها راه حیاتی و اصلی برای فرستادن دارو و سوخت و غذا به مردم کشور یمن می باشد، انتقادات و واکنشهای نسبتاً گسترده در سطح جهانی را برانگیخت. (www.middleeastpress.com/blog/4/6/94).

ت - نقض مقررات حمایت از اموال فرهنگی

امروزه تعدادی از معاهدات بین‌المللی، قطعنامه‌های سازمان ملل متحد از جمله شورای امنیت، مجمع عمومی و یونسکو و آراء دادگاههای بین‌المللی و قواعد عرفی بین‌المللی (قواعد ۳۸-۴۱ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه) به موضوع حمایت از اموال فرهنگی در درگیریهای مسلحانه اختصاص یافته‌اند. عهدنامه‌های ۱۹۵۴ لاهه در زمینه حمایت از اموال فرهنگی در درگیریهای مسلحانه و پروتکل الحاقی آن و نیز دستورالعمل اجرایی منظم به آن، همچنین پروتکل‌های الحاقی به عهدنامه‌های چهارگانه و نهایتاً پروتکل دوم الحاقی به عهدنامه ۱۹۵۴ لاهه مورخ ۱۹۹۹ از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. عهدنامه ۱۹۵۴ طرفین مخاصمه را ملتزم به احترام به اموال فرهنگی در بخش محل وقوع درگیری مسلحانه می‌کند و در فهرست اموال فرهنگی از اماکن مذهبی و باستانی نام می‌برد (ماده ۱۹ (۱) و (۲)). همچنین کشورها در زمان صلح در زمینه حمایت خاص از کلیه اموال فرهنگی موظفند اقدامات پیشگیرانه مانند آموزش نیروهای مسلح و اقدامات احتیاطی مانند ممنوعیت هرگونه عمل خصمانه علیه آنها را انجام دهند (مواد ۲ و ۷). لذا باید گفت هیچگونه ضرورت نظامی به عنوان استثنایی مناسب، توجیه‌کننده‌ی اقدامات خلاف قدرت متخاصم در حمایت از اموال در حین مخاصمه نمی‌باشد (بیگدلی، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

عربستان سعودی طی حملات خود به یمن با هدف قرار دادن آثار تاریخی این کشور در حال تخریب این آثار هستند و این در شرايطی است که جامعه و سازمانهای بین‌المللی از جمله یونسکو در قبال این حملات سکوت کرده‌اند. از جمله آثار تخریب شده می‌توان به مسجد "امام عبدالرزاق بن همام" که در سال ۲۱۱ هجری در استان صنعا ساخته شده بود اشاره کرد. همچنین بازار شهر صعده که تاریخ آن به سوم جری بازمی‌گردد در حملات سعودی‌ها تخریب شده است. قلعه تاریخی "صیره" در استان عدن که در قرن ۱۱ هجری بنا شده نیز در حملات دریایی و هوایی سعودی‌ها تخریب شده است. معبد "اوعال" در استان مارب که تاریخ آن به دوره قبل از ورود اسلام به یمن

بازمی گردد، شهر تاریخی "زبید" که به شهر علما معروف است و در استان الحدیده قرار داشته و در قرن ۱۳ هجری ساخته شده نیز توسط عربستان و ائتلاف عربی تخریب شده اند. مساجد و آثار باستانی یمن بارها مورد حمله ی جنگنده های عربستانی و ائتلاف عربی قرار گرفته اند که از جمله ی آن می توان به سد مارب در استان صعده اشاره کرد که در فهرست میراث باستانی یونسکو نیز به ثبت رسیده است (www.middleeastpress.com/blog/19/7/95). همچنین تخریب چندین مسجد در حملات هوایی ائتلاف عربی به استان حضرموت صورت گرفته است که سبب کشته و مجروح شدن تعدادی از مردم غیرنظامی یمین نیز گردیده است (www.middleeastpress.com/blog/12/8/95).

۳-۲. جنایت جنگی

جنایت جنگی، جنایاتی است که ارتکاب آن‌ها در درگیری‌های مسلحانه، موجب نقض فاحش حقوق بشردوستانه می‌شود. وفق اصول حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی که به علت عرفی بودن برای همه کشورها لازم‌الاجرا می‌باشند، اماکن درمانی مثل بیمارستان‌ها، اماکن مذهبی و تاریخی و تأسیسات زیربنایی کشورها مصون از حمله و تخریب هستند و طرف مرتکب مشمول جرایم جنگی می‌شود (<http://www.tasnimnews.com/Home/Single/712780/18/04/2018>). آنچه در طول جنگ علیه یمن به صورت آشکار رخ داده، هدف قرار گرفتن کارخانه‌ها، پل‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها و غیره است. به این شکل، ائتلاف سعودی بارها به بیمارستان‌ها، مساجد و مراکز فرهنگی و تاریخی یمن و تأسیسات زیربنایی آن حمله کرده و تلفات گسترده‌ای را ایجاد کرده است. از سوی دیگر، در مورد به‌کارگیری تسلیحات، قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، استفاده از سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک، منبسط‌شونده و گلوله‌های انفجاری را ممنوع کرده، ولی ائتلاف سعودی به

بیان دیده‌بان حقوق بشر و کمیساریای عالی اش از بمب‌های غیرمتعارف که از مصادیق جرایم جنگی است، بارها استفاده کرده است.

از این رو، جرم جنایات جنگی این ائتلاف در این مورد نیز مشهود و قابل اثبات است. از جمله دیگر جنایات جنگی، ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه، جنایت جنگی هم محسوب می‌شود. حمله به سیلوهای گندم، نیروگاه های برق صنعا و تنها نیروگاه برق استان صعده و فرودگاه صنعا و انهدام هواپیماهای مسافربری جهت ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه ایران از جمله جنایات جنگی دیگر عربستان و کشورهای ائتلاف عربی است (<http://www.ana.ir/news/20275/18/04/2018>). بر این پایه، می‌توان با قطعیت گفت که اکثر رفتارهای ائتلاف عربستان در قلمرو یمن مصداق جنایات جنگی است. کشورهای بحرین، قطر، کویت، امارات، مغرب، سودان، اردن و مصر از جمله کشورهایی بوده که به رهبری کشور عربستان به یمن حمله کرده‌اند، هریک به سهم خود در ارتکاب این جنایات جنگی مقصر هستند و چنین جنایاتی قابل پیگرد بین‌المللی برای هریک از کشورهای مزبور به‌طور مجزاست.

۳-۳. جنایت علیه بشریت

جنایت علیه بشریت عنوان مجموعه رفتارهایی است که به موجب ماده (۷) اساسنامه رم جرم‌انگاری شده است. هر یک از این مشکلات ابعاد دیگری از جنایت علیه بشریت را تشکیل می‌دهند که توسط نیروهای ائتلاف علیه یمن به صورت آشکار رخ داده است. در این راستا، حقوق کودکان در حمله نظامی رژیم سعودی به یمن به‌طرزی آشکار نقض شده است. بر اساس گزارش‌ها، ائتلاف سعودی نیمی از حملات را علیه مدارس و بیمارستان‌ها انجام داده است. بر اساس جدیدترین گزارش‌ها، در خلال جنگ علیه یمن، ۲ میلیون کودک یمنی با سوءتغذیه، معلولیت و وبا دست‌به‌گریبان شده‌اند. دوسوم جمعیت کشور یمن، قریب به ۱۹ میلیون نفر، به کمک‌های اضطراری نیاز مبرمی

داشته و ۴/۵ میلیون کودک هم از سوء تغذیه رنج دارند که این اتفاقات، بدون هیچ شک و شبهه‌ای، جنایت ائتلاف عربستان علیه بشریت در یمن است (<http://www.un.org/en/sc/documents/resolutions/2018.shtml>).

بر این اساس، تحولات میدانی جنگی در عین به صورت کاملاً مشهود ارائه شده است و افزایش روز افزون خسارت‌ها و تلفات انسانی ناشی از آن که بر اساس آمار ارائه شده روزانه بالغ بر صد غیر نظامی را به کام مرگ می‌فرستد، نشانه کاملاً عیانی از نقض حقوق اولیه بشری است، مسئله‌ای که در گزارش جدید دیده بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۹ نیز خود را نشان می‌دهد. آنچنان که در مصاحبه با دکتر ارکان، فعال سیاسی ترکیه، با نویسندگان اذعان گردید که «فاجعه بشری در یمن را همانند واقعه کربلا برآورده کرده و خواستار پایان دادن به این جنایت علیه بشریت می‌باشند؛ گرچه کل یوم عاشوراً و کل ارض کربلاً»

۳-۴. نسل کشی

موضوع دیگر، ارتکاب آل سعود به جنایتی دیگر یعنی نسل کشی است. بر اساس اسناد بین‌المللی، هرگونه اقدام سازمان‌دهی شده برای نابودی و حذف فیزیکی کل یا بخشی از یک گروه ملی، قومی و مذهبی، نسل کشی و جرمی بین‌المللی محسوب می‌شود. طبق این، می‌توان طبق تشکیل ائتلاف، نظام مند بودن این نوع حملات و کشتار گسترده مردم کشور یمن آن هم به صرف دفاع خود از حقوق شهروندی و دینی، عناصر تشکیل‌دهنده جرم بین‌المللی نسل کشی در یمن را مشاهده نمود. نسل کشی نیازمند احراز سوءنیت مرتکبین برای اقدام به نسل کشی و از بین بردن گروهی قومی، ملی، مذهبی و نژادی هست. مطابق ماده ۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، رفتارهایی که دولت عربستان نسبت به قوم یمن و گروه ملی انصارالله در نظر گرفته را می‌توان به عنوان نسل کشی مورد تحقیق و پیگیری قرار داد (فضائلی، ۱۳۹۵: ۶۲). تلاش برای

نابودسازی عمدی گروه مذکور که گروهی ملی و مذهبی در یمن به شمار می‌رود، از طریق صدمه شدید جسمی یا روانی و قراردادن عمدی آنان در شرایط زیستی نامناسب (از جمله وضعیت نامناسب تغذیه، بهداشت، تقلیل یا جلوگیری از خدمات ضروری پزشکی و غیره) مهم‌ترین مصادیق تفهیم اتهام به عربستان و نیروهای ائتلاف در خصوص احراز جرم نسل‌کشی است.

۴- امکان رسیدگی به تجاوزات عربستان در محاکم کیفری

سران کشور عربستان متهم به تجاوز هستند و باید در آینده نزدیک یا دور محاکمه شوند. عبارت دیگر حتی اگر قطعنامه ۲۲۱۶ را پشتوانه خود قرار دهند، برای عدم اجرای حقوق بشر دوستانه توجیهی وجود ندارد و آنچه مسلم است عربستان سعودی و متحدانش به حملات و تجاوزاتی متهم می‌باشند که حقوق بین‌الملل از این‌ها حمایت می‌کند. این موارد شامل عدم رعایت چهار اصل حقوق بشر دوستانه، عدم حفظ حقوق محیط زیست، تخریب و بمباران مناطق دینی و مذهبی و فرهنگی و... می‌باشد. ضمانت اجرای کیفری حقوق بشر دوستانه خارج از تبیین و تشریح جرم و مجازات در آن نیست که در حقوق بین‌الملل کیفری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. چنانچه قواعد حقوق بشر دوستانه از سوی طرفهای درگیری بصورت عمده و اساسی نقض شود، جنایت جنگی روی داده است (بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۳۷).

رویه بین‌المللی و ملی کشورها و نیز احصای جنایات جنگی در اسناد ملی و بین‌المللی مبنی بر اینکه نقض هنگامی شدید تلقی می‌شود که جان افراد یا اموال مورد حمایت را به خطر بیاندازد و با ارزشهای مهم انسانی مانند رفتار تحقیرآمیز با اشخاص را زیر پا بگذارد (هنکرتز - ماری، ۲۰۰۵: ۸۰۲-۸۰۴). باتوجه به اینکه مسئولیت کیفری کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و سایر اشخاص حقوقی فعلا موضوعیت ندارد و عمل مجرمانه بین‌المللی نیز عامل یا مباشر مشخصی دارد، پس این اشخاص حقیقی هستند

که در هر حال عامل یا مباشر یک جرم یا جنایت بین المللی، از جمله جنایت جنگی به شمار می روند و در نهایت از نظر بین المللی مسئول و مستحق مجازات هستند (بیگدلی، ۱۳۹۲: ۳۵۱).

هیچ فردی نمی تواند در صورت ارتکاب جرم بین المللی به دلیل موقعیت شخصی، اجتماعی، سیاسی، شغلی و غیره از مسئولیت کیفری مبرا باشد هرچند که برخی اشخاص بواسطه شغل خود دارای مصونیت دیپلماتیک در سطح بین المللی هستند. با این حال مصونیت به معنی عدم مسئولیت نبوده و یا کشور متبوع فرد باید خود به اتهام او رسیدگی کرده و یا با لغد مصونیت متهم اجازه ی رسیدگی را به کشورهای دیگر داده و یا رسیدگی به اتهام آن اشخاص در یک مرجع کیفری بین المللی صورت گیرد که در هر دو حالت توسل به مصونیت دیپلماتیک بی تاثیر است (ماده ۲۷ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری و رای دیوان بین المللی دادگستری در قضیه یرودیا وزیر امور خارجه سابق کنگو، دعوای کنگو علیه بلژیک مورخ ۱۴ فوریه ۲۰۰۲).

جنایات ارتكابی عربستان و ائتلاف عربی در حمله به یمن قابل پیگرد بین المللی است. بحرین، قطر (که در جولای سال ۲۰۱۷ رسماً از ائتلاف خارج شد)، کویت، امارات، مغرب، سودان، اردن و مصر از جمله کشورهایی هستند که به رهبری عربستان به یمن حمله کرده اند (www.humanrights.iran.ir/blog/7/8/95). در این حمله‌ها به اهداف غیرنظامی حمله شده و تعداد زیادی کشته و مجروح شدند. از جمله جنایات جنگی ائتلاف عربی به رهبری عربستان، کشتار غیرنظامیان از جمله کودکان و زنان، حمله به مخازن گندم، ممانعت از ارسال نمودن کمک‌های داروئی و پزشکی، حمله به زیرساختهای غیرنظامیان یمن از جمله نیروگاه برق صنعا و تنها نیروگاه برق استان صعده و حمله به فرودگاه صنعا و انهدام هواپیمای مسافربری جهت ممانعت از ارسال کمکهای بشردوستانه و بمباران اماکن تاریخی و مساجد می باشد (www.middleeastpress.com/blog/7/9/95). این مصادیق دلیلی خواهد بود بر

ارتکاب جنایات جنگی و نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط رژیم سعودی و ائتلاف عربی که شامل صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نیز خواهد بود. (رجبی، ۱۳۹۴: ۲۹۸).

دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به چهار جرم شدید بین‌المللی را دارد. این صلاحیت موضوعی نام داشته و ناظر بر جرم نسل‌کشی، جرائم جنگی، تجاوز و جنایت علیه بشریت می‌باشد. مضافاً آنکه مباشران و معاونان چنین جرایمی باید دارای (عمد در فعل) نیز باشند. همچنین دیوان برای اعمال صلاحیت خود نیازمند این است که دولتی که جنایت در قلمرو آن رخ داده در زمره دول عضو اساسنامه رم ۱۹۹۸ سند موسس دیوان باشد و یا اینکه مرتکب از جمله اتباع دولتی باشد که به دیوان پیوسته است و یا اینکه موضوع توسط شورای امنیت به دیوان ارجاع داده شده باشد. از آنجا که وقوع جرایم مهمی مانند جنایات جنگی، نسل‌کشی، تجاوز، جنایت علیه بشریت شامل نقض حقوق غیر نظامیان، کودکان و زنان، تخریب مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها و اماکن عمومی توسط عربستان محرز و مسلم می‌باشد امکان رسیدگی به این جنایات در دادگاه بین‌المللی کیفری (ICC) می‌باشد. لذا باوجود موارد فوق بعنوان ادله مثبت مبنی بر وقوع جنایت بین‌المللی همچون جنایت جنگی در یمن، می‌توان شیوه‌های ذیل را جهت محاکمه و مجازات متهمین بررسی کرد:

۱- ازجای وضعیت جنگ یمن به دیوان بین‌المللی کیفری از طریق شورای امنیت در اجرای بند ب ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند وضعیت یمن را همانند قضایای دارفور سودان و لیبی به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع دهد. دیوان بین‌المللی کیفری موظف است که صرف نظر از عضویت دولت متجاوزگر و تجاوز دیده، وضعیتی را که شورای امنیت سازمان ملل به موجب فصل هفتم از موارد نقض صلح تشخیص می‌دهد و به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع می‌دهد، را رسیدگی

کند (ذاکری فر، ۱۳۸۷: ۳۶). این موضوع نیازمند آن است که شورای امنیت وضعیت موجود یمن را از موارد نقض صلح محسوب نماید.

۲- اعمال صلاحیت از طریق پیوستن یمن به دیوان بین المللی کیفری

موثرترین روش جهت اعمال صلاحیت دیوان، پیوستن یمن به دیوان است. اما تردید در شناسایی دولت انقلابی یمن بعنوان دولت رسمی این کشور از سوی جامعه بین المللی، عضویت یمن در دیوان را نامشخص می سازد. طی قطعنامه ۲۲۱۶ مصوب ۱۴ آوریل ۲۰۱۵ شورای امنیت، مشروعیت عبد ربه منصور هادی بعنوان رئیس جمهور و دولت قانونی یمن شناسایی و تأیید شده و به خروج انقلابیون یمن به رهبری حوثی ها از مناطق تحت تسلط خود و توقف درگیری ها و تحویل سلاح ها و نهادهای نظامی به دولت منصور هادی و عدم انجام اقداماتی که منحصر در اختیار دولت مشروع یمن است تأکید کرده و ضمن تحریم تسلیحاتی انقلابیون و تحریم رهبران انقلاب یمن، از تمامی کشورها خواسته که به مفاد این قطعنامه جهت حفظ صلح و تمامیت ارضی یمن پایبند باشند (www.middleeastpress.org/blog/2015). در شرایط کنونی هر یک از جریان های یمنی بر برخی مناطق این کشور مسلط می باشند. عمده جمعیت ساکن و مناطق مهم یمن از جمله صنعا بعنوان پایتخت در غرب این کشور قرار داشته که هم اکنون در تسلط انقلابیون انصارالله که از آنها به عنوان حوثی ها نیز نام برده می شود قرار دارد. عمده مناطق بیابانی و خالی از سکنه شرق و جنوب تحت کنترل القاعده یمن قرار داشته که از این گروه تروریستی به عنوان فعال ترین شاخه القاعده در شبه جزیره نام برده می شود. نیروهای تحت فرمان منصور هادی رئیس جمهور مستعفی پیشین که پس از فرار از صنعا، پایتخت را به عدن منتقل نموده بر مناطقی از جنوب و شرق این کشور تسلط دارند (<http://peace-ipsc.org/2017>). بنابراین اگرچه انقلاب یمن توسط برخی از کشورها همچون ایران و عراق مورد شناسایی قرار گرفته اما بنظر نمی رسد که در حال حاضر بتوان دولت انقلابی را باتوجه به دوگانگی که در حاکمیت این

کشور در مناطق تحت تسلط دولت منصورهادی و دولت انقلابی یمن بوجود آمده بعنوان مقام قانونی مورد تأیید مراجع بین‌المللی جهت تقدیم اعلامیه پیوستن به دیوان بین‌المللی کیفری، صالح شناخت. لذا توجه به تزلزل قابل ملاحظه دولت یمن در حال حاضر امکان پذیر نیست دولت یمن صلاحیت دیوان را تحت ارسال یک اعلامیه رسمی در مورد رسیدگی به جرایم فوق‌الذکر، به دفتر دیوان بین‌المللی کیفری بپذیرد بلکه می‌تواند به عنوان یک پیشنهاد برای آینده و در زمان استقرار و ثبات دولت یمن اتخاذ شود.

۳- اعمال صلاحیت از طریق توافق نامه پذیرش صلاحیت

همانطور که مشخص است دولت متجاوز و مورد تجاوز واقع شده باید در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری عضویت داشته باشند تا بتوانند شکایت خود را در این زمینه به دیوان تقدیم نمایند و این درحالی است که هیچکدام از دول عربستان و یمن به دیوان نپیوسته‌اند که مهم‌ترین اشکال در رسیدگی به این جرائم در سطح بین‌المللی است. اما بموجب بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه دیوان، صلاحیت دیوان نسبت به یک دولت غیرعضو نیز قابل تعمیم است (قضیه کنت برنادو؛ چرا که اسرائیل قبل از ۱۹۴۸ عضو ملل متحد نبود). دولت یمن با استفاده از این ماده قانونی می‌تواند بصورت اختیاری و داوطلبانه بر مبنای توافقنامه‌ی موردی بنام اعلامیه پذیرش، اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جنایات محقق شده در یمن را بپذیرد. با این عمل، دولت یمن عضو دیوان نمی‌شود و موضوع ارجاع وضعیت پیش‌نیامده اما متعاقب این پذیرش، لازم است که دادستانی دیوان راسا تحقیقاتی را بعمل آورد (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۲).

۴- تشکیل دادگاه ویژه درمورد جنایات یمن

بررسی امکان تشکیل یک دادگاه بین‌المللی کیفری ویژه جهت رسیدگی به جنایات و جرائم صورت گرفته در یمن می‌تواند در عملکرد شورای امنیت و مجمع عمومی قرار داشته باشد. معمولاً در این موارد شورای امنیت مداخله کرده و چنین دادگاهی را تاسیس می‌کند. باتوجه به تجربه موفق این دادگاهها در قضایای یوگوسلاوی سابق و

رواندا، لازم است در خصوص امکان مشوریت بخشی قضای به این دادگاه توسط شورای امنیت بطور جدی بررسی شود (Broomhall, 2003: 232). مجمع عمومی نیز می تواند بر اساس ماده ۲۲ منشور ملل متحد، یک دادگاه کیفری اختصاصی برای رسیدگی به جنایات عربستان و ائتلاف عربی در یمن تاسیس کند. البته باید ناگزیر عربستان و ائتلاف عربی به همراه انقلابیون یمن همکاری لازم را در این زمینه داشته باشند (Wilson, Taylor & Francis, 2009: 168).

۵- توسل به اعمال صلاحیت جهانی

مجموعه قوانین بین المللی کیفری و حقوق بین الملل بشردوستانه به خصوص با استناد نسبت به مواد ۱۴۶ تا ۱۴۸ کنوانسیون چهارم ژنو، از این به بعد قربانیان جنگ یمن این اهلیت را دارند که در محاکم ملی هر کشور عضو کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ علیه متهمان طرح دعوا کنند. وفق قانون مذکور دولت های متعاقد مکلف هستند کسانی را که متهم به ارتکاب یا امر بر ارتکاب هریک از تخلفات عمده حقوق بشردوستانه باشند، جستجو و از هر ملتی که باشند به دادگاههای خود تسلیم یا طبق قوانین خود برای کشور متعاقد دیگری علاقه مند به تعقیب؛ تحویل ان کشور دهد لذا کلیه کشورهای مذکور می توانند خواهان پیگیری جرایم جنگی ائتلاف سعودی از سوی مراجع حقوقی بین المللی یا توسط محاکم داخلی خود، باشند. (Mendes, 2009: 267-268).

۶- امکان رسیدگی به خسارت و مسئولیت حقوقی ناشی از تجاوز عربستان به یمن
حق بر دریافت غرامت و خسارت قربانیان نقض فاحش حقوق بشردوستانه در مخاصمات را می توان از اسناد بین المللی و منطقه ای مانند کنوانسیون منع تبعیض نژادی (ماده ۶)، کنوانسیون منع شکنجه (ماده ۱۴)، کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۳۰)، کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ (ماده ۳)، پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ (ماده ۹۱)، اساسنامه دیوان بین المللی کیفری (مواد ۶۸ و ۷۵)، منشور

آفریقایی حقوق بشر (ماده ۷۵)، منشور آمریکایی حقوق بشر (ماده ۲۵)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۱۳) استخراج نمود. لازم به ذکر است که در تمامی این اسناد بر این موضوع تاکید شده است که قربانی نقض فاحش حقوق بشردوستانه باید مورد حمایت قرار گرفته و خسارت وی به شکل موثری جبران شود (عسکری، ۱۳۹۵: ۹۶۷).

مجمع عمومی طی قطعنامه ای مصوب ۲۰۰۵ تاکید نمود که دولت‌ها متعهد به تضمین رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوده و مطابق این تعهد دولت‌ها باید به قربانیان نقض فاحش و جدی این حقوق یاری رسانند (A/RES/60/147/4). طبق اصل ۵ این قطعنامه، "قربانیان افرادی می‌باشند که بصورت فردی یا جمعی متحمل آسیب شده است" (A/RES/60/147:5).

شناسایی قطعی حق جبران خسارت برای قربانیان مخاصمات مسلحانه در ماده ۶ بند ۲۰۱۰ انجمن حقوق بین‌الملل مبنی بر اینکه طرف مسئول باید هراقدامی را جهت احقاق حقوق قربانیان بعمل آورد، مورد تصریح قرار گرفته است (ILA, 2010: 10).

جبران خسارت در رویه‌های قضایی همچون نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص ساخت دیوار حائل و دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه Markovic مورد تصریح قرار گرفته است (ICJ, 2004, Para 152- ECHR,) (2006, Para 111). رویه‌های مختلفی در باره جبران خسارت موجود است که نشان دهنده جبران خسارت به پنج شکل مختلف قابل تحقق است: پرداخت غرامت^۱، جلب رضایت^۲، تضمین عدم تکرار^۳، اعاده وضع به حال سابق^۴ و توانبخشی^۵ (عسکری، ۱۳۹۵: ۹۷۱).

^۱ . Compensation
^۲ . satisfaction
^۳ . Gurantee of non-repetition
^۴ . Restitution
^۵ . Rehabilitation

علاوه بر عربستان، دولتهای ائتلافی نیز مسئول هستند. مضافاً دولت متبوع قربانیان جنگ یمن و جامعه بین المللی نیز نسبت به دکترین مسئولیت حمایت و موازین حقوق بشردوستانه، در جهت حمایت همه جانبه نسبت به قربانیان جنگ و تامین نیازهای ایشان تعهد حقوقی و اخلاقی دارند. چه بسا بتوان گفت تعهد دولت عربستان و ائتلاف عربی و حامیان آنها، تعهدی قطعی و تعهدی به نتیجه است ولی تعهد سائیرینی که در این مخاصمه مسلحانه نقشی نداشته ند تعهد بوسیله مشروط به توان لازم برای ارائه کمک و مساعدت است (Salado-osuna, 2005: 332).

نتیجه گیری

توجیه عربستان مبنی بر درخواست منصور هادی برای تثبیت وضعیت داخلی یمن به هیچ عنوان موجه نمی باشد؛ زیرا او قبل از تاریخ تجاوز عربستان به یمن استعفا نموده است و نمی توان به استناد چنین درخواستی تجاوز را مشروع جلوه داد. چنین ابهامات باعث گردیده که جامعه بین الملل نسبت به دخالت ائتلاف عربی در یمن برخوردی دوگانه داشته باشد. رویکرد نسبتاً چندگانه در شورای امنیت نیز در این قسمت قابل اغماض نیست. شورا از یکطرف نه فقط منصور هادی را مشروع دانست بلکه از سوی دیگر هنوز موضع نسبتاً محکمی درباره دخالت ائتلاف عربی در کشور یمن اتخاذ نکرده است. بنابراین در این میان عملکرد سازمان ملل بویژه شورای امنیت بعنوان نهاد مسئول در حفظ صلح و امنیت بین المللی با تصویب قطعنامه ۲۲۱۶ در جهت حمایت یکجانبه از دولت منصورهادی و نادیده گرفتن اقدامات عربستان در حمله نظامی به یمن تامل برانگیز است.

آنچه مشخص است تهاجم شماری از کشورها به سرکردگی عربستان سعودی به یمن با هیچ یک از اصول و قوانین حقوقی بین المللی قابلیت انطباق ندارد. با توجه به اینکه نقض اصول حقوق بین الملل بشردوستانه، کشورها را دارای مسئولیت بین المللی

می‌کند، در صورت احراز نقض این اصول، فارغ از اینکه به عنوان قواعد عرفی بین‌المللی نقض شده‌اند، این مساله به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹م در رابطه با حقوق جنگ نیز تسری می‌یابد. بر این اساس، با واکاوی مشخصه‌های مداخله نظامی و جنایات ائتلاف عربی به سرکردگی دولت سعودی در یمن، طبق حقوق بین‌الملل و حقوق جنگ، مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی و دولت‌های مداخله‌کننده و مسئولیت کیفری عاملان حملات نظامی، به شکل کامل، روشن می‌گردد. این چنین، نیروهای ائتلاف که مرتکب جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی در یمن شده‌اند، ضمن داشتن مسئولیت بین‌المللی، متوجه مسئولیت کیفری حملات نظامی هم هستند. به عبارتی، مصادیق مورد اشاره دلیلی بر ارتکاب جنایات جنگی و نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط رژیم سعودی و ائتلاف عربی است که شامل صلاحیت کیفری دادگاه بین‌المللی کیفری می‌گردند. از آنجا که رسیدگی به جرایم و جنایات در دادگاه کیفری بین‌المللی مستلزم عضویت کشورهاست و با توجه به اینکه یمن به عنوان کشور مورد تجاوز و عربستان به عنوان کشور متجاوز، در آن دادگاه عضویت ندارند، دادگاه نمی‌تواند به شکایت یمن رسیدگی کند. پس، تنها راهکار پیگرد جنایات علیه ملت یمن در زمان فعلی، این است که موضوع از طریق شورای امنیت سازمان ملل دنبال شود. چنانچه دادگاه کیفری بین‌المللی موظف است بدون در نظر گرفتن عضویت کشور متجاوز عربستان و کشور تجاوزدیده یمن، وضعیتی را که شورای امنیت بر اساس فصل ۷ منشور سازمان ملل از وضعیت موجود به عنوان نقض صلح، تشخیص و به دادگاه ارجاع می‌دهد، رسیدگی کند. به زبان دیگر، با تصویب نقض صلح در یمن توسط شورای امنیت، این جنایات جهت پیگیری به دادگاه کیفری بین‌المللی ارجاع می‌گردد تا رسیدگی قضایی و کیفری در آن باره صورت پذیرد.

منابع:

- آزادی، افشین؛ ترابی، محمد و حیدرپور، ماشاءالله (۱۳۹۹). «جمهوری اسلامی ایران و فضای مجازی؛ راهکارهایی برای حل چالش‌ها»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ششم، شماره ۳، صص ۱۴۷-۱۷۸.
- بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۷۶). «بررسی جنایات نسل کشی و جنایات بر ضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۲۲-۲۱.
- جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۳، شماره ۸، صص ۶۵-۸۹.
- حیدری، سید عادل (۱۳۹۵). «بررسی مداخله نظامی و تجاوز عربستان سعودی به خاک یمن از منظر حقوق بین الملل»، **سومین کنفرانس بین المللی علوم و مهندسی**.
- ذاکری فر، محمد (۱۳۸۷). «مسئله فلسطین با نگاهی به جنگ ۲۲ روزه غزه»، **مجله ندای اسلام**، شماره ۳۶-۳۷.
- ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۵۴.
- رجبی، اسماعیل (۱۳۹۴). «نقش دیوان بین المللی کیفری در رسیدگی به جنایات رژیم صهیونیستی علیه غزه (جنگ ۲۲ روزه)»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۵، شماره ۲.
- زمانی، مسعود و نیکوئی، مجید (۱۳۹۶). «مشروعیت مداخله نظامی کشور ثالث بر اساس دعوت کشور میزبان: بررسی تحلیلی مداخلات نظامی در مالی، اوکراین، سوریه و یمن»، **فصلنامه پژوهش‌های عمومی**، شماره ۵۴.
- زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.
- صابری، هنگامه (۱۳۷۸). **ضمانت اجرا در حقوق بشردوستانه**، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰). **حقوق جنگ**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۶). **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- عبدالهی، محسن (۱۳۸۸). **تروریسم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه**، چاپ اول، تهران: نشر شهر دانش.
- عسکری، پوریا (۱۳۹۵). «عدالت پس از جنگ و مسئولیت‌حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۶، شماره ۴.
- فضائی، مصطفی (۱۳۹۵). «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، بهار، دوره ۴۶، شماره ۱۱.
- فلک، دیترا (۱۳۸۷)، **حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه**، ترجمه سید قاسم زمانی و نادر ساعد، چاپ اول، تهران: نشر شهر دانش.
- قادری، سیدمحمد هادی و ناصر قربان نیا (۱۳۹۲). «دکترین مسئولیت‌حمایت و تلاش برای مقابله با فجایع انسانی»، **فصلنامه روابط خارجی**، شماره ۱۱.
- کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، **دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان، صص ۱۴۰-۱۱۹.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۷۵). **شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشردوستانه**، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۷). **حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی**، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- ممتاز، جمشید، و همکاران (۱۳۷۹). **نقش کنوانسیون حقوق بین‌الملل در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل**، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لوئیس (۱۳۸۷). **حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی**، ترجمه دفتر بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر مجد.
- Broomhall, Bruce (2003), "International Justice and International Criminal Court", Oxford University

- Carapice, S, (1998), *Civil Society in Yemen: The political Economy of Activism in Modern Arabia*, London, Cambridge University Press
- Cassese, Antonio (2008), *International Criminal Law*, Oxford University Press
- Connell, O (2002), *The Myth of Preemptive Self – defence*, paper prepared for the American International Law Task force on Terrorism
- Day Stephen (2008), "Updating Yemen National Unity: could lingering division bring down the regime?", *Middle east Journal*, Summer
- Heathcote, Gina (2012), "The law on the use of force", *A feminist Analysis*, Rutledge Research in International Law
- Jonathan, Charny (2007), *Progress in International Criminal Court*, A.M.J London
- Mendes, Eroll (2009), *Peace and Justice at the International Criminal Court*, published by Edward Elgar
- Nolte, G (1993), "Restoring Peace by Regional Action: International Legal Aspects of the Liberian Conflict", *Zerschrift Fur Auslandsches SLANDISCHES Offentliches S Recht Und Volkkerrecht*, Vol. 53, Vol.1.
- Novak, Jane (2010), "Ali Abdullah Saleh Family in Yemen Government and Busine", in *Armies of Liberation*, Al-shafagh magazine
- Partsh, Gehrard (2005), "principle of International Criminal War Law", T.M.C, Asser Press, The Hague
- Roth, B (1993), "Governmental Ilegitimacy Revisited: Pro-Democratic", *Armed Intervention in the Post-Bipolar World*, *Transnational Law and Contemporary Problems*, Vol. 3, No. 2.
- Salado – Osuna, Ana (2005), "The victims of Human Rights Violations in Armed Conflicts: The right to Justice, Truth & Compensation, the new challenge humanitarian Law in Armed conflicts", edited by Pablo Antonio Fernandez
- Salmoni, Mrco (2009), "How dose law protect in Law?", *Chinese International Magazine*
- Salmoni, Barak, *Regime and periphery in Northern Yemen, The Huthi Phenomenon*, National Defence research institution, RAND cooperation
- Schiff, Benjamin (2008), "Building the International Criminal Court", Cambridge University Press

- Shaw, Malcom (2003), International Law, sixth edition, Cambridge University Press
- Wilson, pargo (2009), Agression, Crime, International Security , Taylor & Francis
- Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Cooperation among States in accordance with the charter of the United, 1970
- Human Rights Watch, World Report 2015: Yemen, read on:
- ICRC 2016, Commentary on Geneva Convention 1949
- ILA 2010, Draft Declartion of International Law Principles on Reparation for Victims of Armed Conflicts, The Hauge Conference
- Middle east Report, No. 86
- Resoloution on Military Assistance on Request, 2011, available at:
- UNSC. Security Council Press Statement on Yemen, 2015
- UNSC/2015/217: General / 27 March 2015
- [www. Internationallaw.ir](http://www.Internationallaw.ir)
- www.Al-alalm.com
- www.hrw.org/world-report/2015
- www.hrw.org/Yemen
- www.humanrights_Iran.ir
- www.iwpeace.com
- www.justicepeace.org/2011
- www.Middleeastpress.com/blog/4.6.1394
- www.peace_ipsc.org/blog/Yemen